

پیرامون نظریه امنیت ملی روسیه

ایوان ریبکین^۱

منافع ملی نمی‌تواند جدا از سن معنوی، بدون حفظ و مضاعف کردن ارزشهای مشخص روسی و بدون ایجاد شرایط برای تحقق خلاقانه روحیه جامعه روسی، ادراک و عملی شود. معلوم است که ما به حکم کمبود منابع و امکانات خود، تنها در صورت فعالیت یکپارچه و بر مبنای واحدی که نظریه امنیت ملی باید حکم آن را داشته باشد، قادریم خطرات را دفع کنیم. چه واکنشی باید در مقابل خطرات برای امنیت ملی روسیه از خود نشان دهیم؟ چگونه منافع ملی کشور را تأمین کنیم؟ کدام استراتژی واحد امنیت ملی برای روسیه باید انتخاب شود؟ این سؤالات پیچیده همیشه دیدگاههای مختلفی را همراه داشته است.

روسیه مرحله دشوار تشکیل نظام جدید اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را طی می‌کند. در حالی که مرحله بسیار پرتناقض و بحرانی انتقال جریان دارد و این مرحله با همه عرصه‌های زندگی روسیه ارتباط می‌یابد، اکنون مهم است که از اشتباهات سیاسی منجر به عواقب جبران‌ناپذیر برای نسل جاری و آینده روسیه اجتناب شود. در مرحله انتقالی خطر بروز اینگونه اشتباهات مضاعف می‌شود. تجربه ساختمان نظام دموکراتیک روسیه نشان داده است که این کشور به تشریک‌مساعی سازنده و نه بررسی بی‌نتیجه مناسبات عقیدتی - سیاسی نیاز دارد و مآلاً باید نظریه امنیت ملی را به‌عنوان سند برنامه‌ای جامعی داشته باشد. در این برنامه، اصل تأمین همه‌جانبه، چندبُعدی و هماهنگ شده منافع حیاتی افراد، جامعه و دولت روسی رعایت خواهد شد. چرا این کار در حال حاضر می‌برم و حیاتی شده است؟ چرا قبلاً روی این مسئله کار نکردیم. این امر چند علت دارد:

۱. ایوان ریبکین، دبیر شورای امنیت ملی روسیه می‌باشد و این مقاله از روزنامه نزاویسیما یاگازتا، چاپ مسکو، مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ نقل شده است.

- نظام دولتی دموکراتیک روسیه بایستی ریشه بدواند و مستحکم شود. نیروهای سیاسی که به نحوی در تحولات سالهای اخیر شرکت داشتند، بایستی درباره ارزشهای بنیادین دولت و جامعه به حداقل سازش برسند. اکنون هیچ‌یک از نیروهای مهم اجتماعی نظام دموکراتیک قانونی روسیه و نظام دولتی کشور را زیر علامت سؤال قرار نمی‌دهد. انتخابات مشروع همه قوای انتخابی در سطح فدرال و منطقه‌ای برگزار شده است؛

- با وجود همه مشکلات در برخی از مناطق روسیه، تمامیت و تجزیه‌ناپذیری روسیه زیر سؤال نمی‌رود؛

- روند تشکیل خودآگاهی روسیه در جامعه بین‌المللی در ارتباط با منافع روسیه و منافع کشورهای دیگر به پایان می‌رسد؛

- اکنون روسیه در همه زمینه‌های زندگی دولتی اعم از سیاست داخلی و خارجی، امور نظامی، اقتصاد و اطلاع‌رسانی، برنده‌ها و استراتژی‌های گوناگونی دارد. البته، این امر باید به عنوان نشانه وضعیت دموکراتیک جامعه ما در نظر گرفته شود. ولی این وضع مانع از طراحی سند نظری سیاسی که استراتژی مقابله با خطرات در عرصه بین‌المللی، نظامی - سیاسی و اقتصادی را مشخص کند، نمی‌شود. برعکس، فقدان چنین سندی می‌تواند بر امنیت فرد، جامعه و دولت تأثیر منفی بگذارد؛

- تمام سیستم تأمین امنیت روسیه باید با واقعیات پیچیده معاصر اوضاع بین‌المللی، امکانات اقتصادی کشور و سطح آمادگی جامعه برای تحولات تطبیق داده شود. این سیستم باید اولویتهای امروزی و آتی امنیت را منعکس کرده و توسعه پایدار جامعه را تأمین نماید و نیز به جلوگیری و پیشگیری از خطرات برای امنیت مساعدت نماید؛

- نظریه عمومی امنیت ملی روسیه که توسط رهبران عالی کشور هماهنگ و تأیید شده است، باید فعالیت همه ارگانهای دولتی را منسجم کند. مآلاً دولت را از داخل و از خارج تقویت کند. این نظریه، مبنای جلوگیری از ضربات به امنیت ملی روسیه با حرف و عمل خواهد شد؛

- باید به‌طور سنجیده و معقولانه با مصرف منابع محدود امروزی ما برخورد کرد. این منابع هرچه کمتر باشند، اولویتهای فعالیت عملی باید دقیق‌تر تعیین شوند (منابع کوششهای اساسی کشور باید در چه زمینه‌هایی و در چه جهاتی متمرکز شوند).

به همین دلیل رئیس‌جمهور در پیام سال گذشته خود در زمینه امنیت ملی برای مجلس فدرال و در فرمانهای مربوطه، ایجاد نظریه جامع امنیت ملی را مطرح کرد. این نظریه باید تکیه‌گاه سیاست دولتی برای تدوین برنامه‌ها، استراتژی‌ها و نظریات در مورد سیاست دولت در عرصه‌های مختلف شود. قبل از همه، نظریه نظامی و نظریات امنیت اقتصادی، زیست‌محیطی، تکنولوژیک، انرژی، مالی و غذایی مورد نظر است. چرا در این زمینه حرکت از برنامه‌های عام به برنامه‌های خاص لازم است؟ اولاً، به گفته یکی از اندیشمندان، اگر ما از مسائل عام سر در نیاوریم، در مسائل خاص گیر خواهیم کرد. ثانیاً، تا موقع آغاز طراحی نظریه امنیت ملی هیچ‌یک از نهادهای مربوطه نظریه عرصه‌های منفرد امنیت را تدوین نکرده است. در واقع، نهادهای منفرد اغلب نمی‌توانند این کار را بکنند. به عبارت دیگر، اکنون اجزایی وجود ندارند که بتوانند تصویر عمومی را تشکیل دهند.

نظریه، مبنای ایدئولوژیکی تمام روند ساختمان دولت و سیاست دولتی است که حاوی اولویتهای منافع ملی برای امروز و آینده میان مدت است. به این ترتیب، این نظریه باید تا حدی خلاء آشکار ایدئولوژیکی سالهای اخیر را پُر کند. صرف‌نظر از جهان بینی و ایدئولوژی خود، باید بر اختلافات بین همدیگر غلبه کنیم و مشترکاً استراتژی مقابله با چالشها و خطرات برای امنیت روسیه را طراحی کنیم. تجربه قرنهای گذشته حاکی از آن است که اندیشه امنیت ملی می‌تواند هم انگیزه ترقی باشد و هم موتور ارتجاع. تنها سیاستمداران و دانشمندان نیستند که به ادراک خطرات واقعی امنیتی و لزوم ایجاد سیستم جوابهای متناسب نیاز دارند. این امر برای هر شهروندی لازم است تا بتواند از اوضاع جاری بهتر سردرآورد و مواضع مدنی خود را تعیین نماید.

نظریه، یک سند سیاسی است که امکان ایجاد سیستم منسجم امنیت ملی را که جوابگوی مقتضیات زمان باشد، فراهم می‌کند. این مسئله باید به‌طور جامع، از زاویه منافع عمومی و بلندمدت دولت و جامعه حل شود، و نه از نظر منافع آنهایی که باید در مرحله مشخص این امنیت را تأمین کنند. البته، هر متخصصی باید به فکر کار خود باشد و برای آن اولویت قایل باشد. از برخورد متقابل چند موضع یک‌طرفه ولی پُرانرژی و روشن، یک نیروی عمومی به وجود می‌آید. از سوی دیگر، کسی باید تعادل عمومی را بررسی کند، منافع عمومی را رعایت کند و اعمال همگانی را هماهنگ نماید. همین امر، یکی از اهداف اساسی

شورای امنیت فدراسیون روسیه تحت ریاست رئیس‌جمهور و کمیسیونهای تشکیلاتی وابسته به آن است. استراتژی مناسب می‌تواند فقط به این قرار باشد: حداکثر توافق و متانت و قاطعیت در دفاع از منافع ملی روسیه.

مسئله تعیین اولویتهای ملی برای هر کشوری اهمیت کلیدی دارد زیرا که سطح امنیت فرد، جامعه و دولت با توجه به این منافع و وجود امکانات دفاع از آنها ارزیابی می‌شود. تنها از این مواضع می‌توان مثنی بلندمدت استراتژیکی توسعه دولتی و سیاست مشخص اجرای این خط را فرمول‌بندی کرد. قاعدتاً پنداشته می‌شود که بقای وجود فیزیکی جامعه، حفظ حاکمیت و تمامیت دولت و فضای واحد اقتصادی و دفاعی آن اساس امنیت ملی را تشکیل می‌دهد. اما امنیت واقعی دولت شامل ایجاد و تأمین شرایط ضروری برای زندگی شرافتمندانه شهروندان، حفظ فرهنگ ملی و ارزشهای معنوی، زبان، محیط زیست و حقوق مدنی است. وقتی که ما درباره امنیت فردی صحبت می‌کنیم، منظور ما قبل از همه تضمین همه حقوق و عملی کردن همه امکانات برای توسعه شخصیت و تطبیق آن با شرایط متغیر جهان معاصر است. به همین دلیل علم، آموزش و فرهنگ در عرصه تأمین امنیت ملی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. ویرانی آنها نه تنها امنیت فردی بلکه امنیت دولت را تهدید می‌کند و به نابودی ریشه‌های ملی شهروندان منجر می‌شود.

کاهش قشر روشنفکر جامعه، یکی از خطرات بزرگ برای امنیت ملی است چرا که اعضای همین قشر می‌توانند کنه روندهای توسعه اجتماعی را تشخیص داده و درک کنند، از طریق آنها مکانیزم ارتباط متقابل بین تصمیمات در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نتایج روندهای واقعی در زندگی شهروندان کشور کار می‌کند. تهدیدات کنونی برای امنیت هر کشوری حالت جامعی دارند. گاهی اوقات مشکل می‌توان آنها را به تهدیدات داخلی و خارجی تقسیم‌بندی کرده و مشخص کرد، آیا آنها فقط روسیه یا کشورهای دیگر را هم تهدید می‌کنند. در قرنی که به پایان خود می‌رسد، نه تنها دگرگونی‌های شدید ژئوپلیتیکی و اجتماعی رخ دادند؛ بلکه در همین قرن بشریت خیالهای واهی اقتدار بی‌پایان عقل انسانی و سلطه آن بر طبیعت را از دست داد. حدود موجودیت انسان که در نتیجه تجربه دشوار تاریخی تعیین شده‌اند، فجایع زیست‌محیطی و فنی، تهی شدن منابع طبیعی و وضعیت دشوار جمعیت‌شناختی باعث درک ضرورت ایجاد نظم جدید جهانی به نفع بقای وجود نه جوامع منفرد انسانی بلکه تمام نسل بشری شده است.

در سالهای اخیر «فاجعه گرایان»^۱ به دفعات تکرار کرده‌اند که وضعیت بحرانی اقتصاد، بزرگترین خطر برای همه است و اینکه خطر برای امنیت فدرال روسیه از همین مسئله سرچشمه می‌گیرد. درست است که عامل اقتصادی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ ولی چرا مسئله جدایی‌طلبی با این شدت در کشورهای بهروز کانادا و انگلستان مطرح شده است؟ مسئله مناسبات بین مرکز فدرال و مناطق باید براساس خلل‌ناپذیری قانون اساسی روسیه با استفاده از وسایل مختلف سیاسی اعم از دیالوگ همه‌جانبه و اتخاذ تصمیمات مهم در هر مورد مشخص تا توسعه منسجم قوانین فدرال و محلی حل شود. هماهنگی منافع اقوام مقیم کشور، برقراری همکاری همه‌جانبه بین آنها و اجرای سیاست سنجیده ملی، پایداری و وحدت روسیه را حفظ خواهد کرد. حل و فصل جامع این مسائل باید اساس سیاست داخلی دولت را تشکیل دهد و توسعه روسیه به عنوان دولت کثیرالمنه، دموکراتیک و فدراتیو و مآلاً امنیت ملی آن را تضمین نماید.

مسائل ارتش، بازسازی مجتمع نظامی - صنعتی که کماکان تکیه‌گاه صنایع میهنی است، را اغلب با ضعف اقتصادی مرتبط می‌سازند. این روندها بدون کمک مالی جریان دارند. اما کمتر کسی می‌داند، حفظ ظرفیتهای «حداکثر» صنعتی که توسط نه پدران بلکه اجداد ما برای روز جنگ با تمام جهان طراحی شده بودند، برای ما چقدر سخت است و چقدر گران تمام می‌شود. در میان فرآورده‌های این ظرفیتهای صنعتی کماکان زین اسب، گاری و ذخایر کهنه اسلحه و مهمات ذکر می‌شوند. این کار به معنی ولخرجی ناروای امکانات کشور است. برای پیشبرد اصلاحات ارتش و مجتمع دفاعی باید بی‌درنگ در اقلای ذخایر استراتژیکی تجدیدنظر کرده و تولیداتی را که در آینده کاربرد نخواهند داشت، از رده ظرفیتهای تولیدی خارج کرد. کشورهای به مراتب غنی‌تر مدتها پیش اولویتهای امنیت ملی خود را تعیین کرده و توان دفع خطرات احتمالی را تنظیم کرده‌اند. برای مثال، ایالات متحده با توجه به اینکه احتمال بروز مناقشه جنگی جهانی بعید است، ولو اینکه حداقل امکانات برای شرکت در آن باید وجود داشته باشد، تعیین کرده است که باید از نیروهای کافی برای پیروزی در یک مناقشه و خنثی کردن مناقشه دیگر برخوردار باشد.

موقعیت ژئوپلتیکی روسیه فرق می‌کند؛ ولی ما هم در نظریه امنیت ملی خود لازم

۱. کسانی که روندهای موجود و آتی را فاجعه‌بار تلقی می‌کنند.

می‌دانیم که منابع ضروری دفع مناقشات احتمالی منطقه‌ای را که مستقیماً امنیت ما را تهدید می‌کنند، مشخص کنیم. در عین حال، توان جواب به تهدید احتمالی ولی بازم موجود مناقشه جنگی سراسری باید حفظ شود. ما باید برای خود و برای سراسر جهان این حقیقت را تثبیت کنیم که روسیه کسی را تهدید نمی‌کند و نمی‌خواهد تهدید کند. ما می‌خواهیم در صلح و صفا با همه کشورهای همزیستی کنیم. اما متجاوز جواب دندان‌شکنی دریافت خواهد کرد. ما خودمان تصمیم خواهیم گرفت، از چه برنامه‌ای برای دفع تجاوز استفاده کنیم، بدون اینکه هیچ‌یک از انواع اسلحه از نظر دور بماند. ابهام نوع پاسخ به تجاوز باید هسته نظریه نظامی را تشکیل دهد. معنای بازدارندگی همین است.

راه ما، راه جستجوی امکانات ایجاد سیستم امنیت بدون خطوط جداکننده، براساس سازش معقولانه، حسن تفاهم و دیالوگ در دنیای چندقطبی است. این راه به‌طور عینی باید آینده‌دارترین راه شناخته شود؛ زیرا که اکنون تهدیدات متقابل ما را از هم جدا نمی‌کنند بلکه خطرات مشترکی که عنصر چهارم مناسبات بین‌المللی شده‌اند (تروریسم بین‌المللی، ایدئولوژیکی و ناسیونالیستی) باعث تشریک مساعی ما می‌شوند. روسیه همانند هر کشور سالم دیگری، باید برای تأمین امنیت ملی خود در کوششهای بین‌المللی در جهت دفع این خطرات بر مبنای چندجانبه و دوجانبه شرکت کند.

تنها در شرایط صلح مدنی و در چارچوب همکاری داخلی می‌توان رشد اقتصادی را تأمین کرد. اکنون اعمال «نیروهای سازش‌ناپذیر دیروزی» که با سیاست غیرمسئولانه خود جو انتظار بازگشت به گذشته را ایجاد می‌کنند، به امنیت اقتصادی کشور لطمه می‌زند. همین امر باعث عدم اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی و فرار سرمایه‌های روسی به خارج می‌شود. مبارزه با فرار سرمایه از کشور می‌تواند فقط جامع باشد و در این مبارزه باید از روشهای سیاسی، اقتصادی، قانونی و اخلاقی استفاده کرد (تجربه عملی حاکی از آن است که کاربرد روشهای صرفاً اداری نتیجه معکوسی می‌دهد). به نفع امنیت ملی روسیه خواهد بود چنانچه ریسک سیاسی در صورت به قدرت رسیدن نیروهای سیاسی دیگر در روسیه برای سرمایه‌گذاران منتفی شود. یکی از راه‌حلهای ممکن، واگذاری ضمانتهای دولتی در برابر ریسک سیاسی، از جمله به صورت دارایی غیرمنقول روسی در خارج از کشور است. در این صورت تعویض فرضی قدرت و شروع احتمالی ملی کردن و مصادره دارایی، موجب جبران

دارایی از دست رفته سرمایه گذاران توسط دارایی غیرمنقول خارجی روسی خواهد شد. یک بار دیگر تکرار می‌کنم که در عرصه اقتصادی یکپارچگی و توافق اجتماعی می‌تواند باعث رشد اقتصادی و موفقیت شود، همان‌طور که اکنون این امر در کشور مستقل لهستان مشاهده می‌شود که آنجا هم روند مبارزه داخلی سیاسی بسیار پیچیده است. توفیق اقتصادی موجب کاهش خطرات مربوطه دیگر، از جمله رشد خطر تکانهای اجتماعی، فجایع زیست‌محیطی، ملی‌گرایی، نابودی سلامتی جسمی و روحی شهروندان، ادامه رشد بزه‌کاری جامعه و فعالیت اقتصادی، پیوند ساختارهای جنایی و قدرت دولتی و تهی شدن منابع طبیعی، خواهد شد.

منافع ملی نمی‌تواند جدا از سنن معنوی، بدون حفظ و مضاعف کردن ارزشهای مشخص روسی و بدون ایجاد شرایط برای تحقق خلاقانه روحیه جامعه روسی، ادراک و عملی شود. معلوم است که ما به حکم کمبود منابع و امکانات خود، تنها در صورت فعالیت یکپارچه و بر مبنای واحدی که نظریه امنیت ملی باید حکم آن را داشته باشد، قادریم خطرات را دفع کنیم. چه واکنشی باید در مقابل خطرات برای امنیت ملی روسیه از خود نشان دهیم؟ چگونه منافع ملی کشور را تأمین کنیم؟ کدام استراتژی واحد امنیت ملی برای روسیه باید انتخاب شود؟ این سؤالات پیچیده همیشه دیدگاههای مختلفی را همراه داشته است. برای پاسخگویی به این پرسشها باید به چند جهت اساسی کار توجه کرد. قبل از همه باید معیارهای امنیت فدراسیون روسیه و «سقف مجاز» خطرات را تعیین کرد. در نبود چنین مکانیزمی، ما همیشه از نظر ارزیابی‌ها و پیش‌بینی‌های جاری و انتخاب راههای مناسب تعیین امنیت شکست خواهیم خورد. جهت‌گیری مهم دیگر این فعالیت، طراحی اقدامات و مکانیزمهای خروج دولت از «منطقه خطر» در عرصه‌های حساس امنیتی است. همچنین باید فعالیت ارگانهای قوه مقننه و مجریه را در جهت اجرای اقدامات معطوف به برطرف کردن یا کاهش تهدیدات برای امنیت ملی روسیه مؤثر کرد.

بدیهی است که فعالیت جامعه و دولت در زمینه تأمین امنیت باید بر یک رشته اصول

بنیادین استوار باشد:

- وحدت، ارتباط متقابل و متعادل بودن همه انواع امنیت، تغییر اولویت آنها در رابطه

با تغییرات در اوضاع عینی؛

- اولویت وسایل سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی تأمین امنیت ملی؛

- تابع کردن فعالیت عناصر امنیت دولت به قانون اساسی و سایر قوانین فدراسیون

روسیه؛

- طرح اهداف واقع‌بینانه از نظر زمان، منابع، نیروها و امکانات؛

- توسل به اقدامات قهری، از جمله نظامی، تنها براساس موازین حقوق بین‌المللی و

مطابق با قوانین کشور؛

- ادارهٔ نیروهای تأمین امنیت ملی مطابق با ساختار فدراتیو فدراسیون روسیه و تقسیم

اختیارات بین ارگانهای قدرت دولتی فدراسیون روسیه، اعضای فدراسیون و ارگانهای

خودگردانی محلی؛

- شرکت فعالانه و متساوی‌الحقوق روسیه در روند همگرایی جهانی و دیالوگ برای

تأمین امنیت بین‌المللی؛

اگر اکثریت گروههای اجتماعی و قومی، اتحادیه‌های اجتماعی و شهروندان کشور

شریک و حامی اصل اساسی استراتژی توسعهٔ دولتی و نظریهٔ امنیت ملی نشوند، ما نخواهیم

توانست مسائل امنیت ملی را به‌طور مؤثر حل و فصل کنیم. سیستم تأمین امنیت فدراسیون

روسیه باید بر مبنای پیش‌بینی و قابلیت اتخاذ اقدامات پیش‌گیرنده برای جلوگیری از خطرات

برای امنیت ملی استوار باشد. یک شرط دیگر مهم آن، مطابقت با سیستم امنیت جهانی،

سیستم امنیت منطقه‌ای (اروپایی، آسیا و اقیانوسیه و غیره) و با سیستمهای امنیت ملی

کشورهای دیگر، قبل از همهٔ کشورهای مجاور است. نظام امنیت دسته‌جمعی کشورهای عضو

جامعهٔ مشترک‌المنافع باید در این زمینه جایگاه خاصی داشته باشد. به این ترتیب، مسائلی که

من برشمرده‌ام، به‌طور کامل بر ابعاد گستردهٔ اهداف تکمیل نظریهٔ امنیت ملی فدراسیون

روسیه گواهی دارد. این امر امکان نیل به توافق ملی در امر اجرای خط استراتژیکی و ساختمان

روسیهٔ دموکراتیک و شکوفا را می‌دهد. روسیه ضمن ورود به قرن بیست و یکم باید بالاخره از

مبنای نظری رشد پایدار و تأمین امنیت ملی برخوردار باشد.